



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۰۵/۱۷

ملک ستیز

قدرت، ثروت و شهرت، همگی پدیده های گذرا هستند

جیمی کارتر، سی و نهمین رئیس جمهور امریکا، روزگاری یکی از قدرتمندترین مردان جهان بود. در اواخر دهه هشتاد میلادی، او بر ساختار نیرومند اقتصاد غرب، اقتصادی که بخش بزرگی از جهان را در سیطره خود داشت، تکیه زده و قدرت‌نمایی می‌کرد. کارتر نفوذ گسترده در رهبری اقتصاد، سیاست، رسانه‌ها، فرهنگ و روابط جهانی امریکا داشت. او با زیرکی ویژه‌ای کنگرس را مدیریت می‌کرد و چالش‌های دشوار دوران جنگ سرد را زیر نظر داشت. میان سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱، امریکا با رؤیای تضعیف اتحاد جماهیر شوروی به رهبری او حرکت می‌نمود و دکترین سیاسی او و مشاور امنیت ملی اش، زیگنیو برژینسکی، بر سرنوشت جهان سایه افکنده بود. در آن روزگار، کمتر کسی می‌توانست تصور کند که کارتر با آن همه شکوه و اقتدار، روزی صحنه قدرت امریکا را ترک خواهد کرد.

اما انسان، هر اندازه که عظمت، ثروت و توان نظامی داشته باشد، سرانجام به پایان راه می‌رسد. کارتر پس از دوران ریاست جمهوری نیز بسیار کوشید تا همچنان چهره‌ای اثرگذار در سیاست باقی بماند، اما زندگی دیگر به او مجال نمی‌داد. با ثروت فراوانی که داشت، تلاش کرد عمرش را طولانی‌تر سازد و تا صدسالگی زیست. اما هرچه بر عمرش افزوده می‌شد، تنهاتر و محتاج‌تر می‌گشت. در سال ۲۰۲۴، هنگامی که به صدسالگی رسیده بود، بیشتر به پیکری استخوانی شبیه بود که تنها پوستی بر آن کشیده باشند. او را از چشم رسانه‌ها دور نگه می‌داشتند، چهره‌اش فرسوده و هراس‌انگیز شده بود، تمرکز خود را از دست داده بود و اگر سخنی می‌گفت، کلماتش به زمزمه‌های کودکی نوآموز شباهت داشت. سرانجام، جیمی کارتر در صدسالگی، در حالی چشم از جهان فروبست که برای ابتدایی‌ترین نیازهای روزانه اش به شدت محتاج شده بود. او واقعاً بیچاره و درمانده شده بود. چهره اش هراس‌انگیز و جسمش از کار افتاده بود. به پرستاری ساده که لقمه غذا را به مشکل در دهانش می‌گذاشت، شدیداً محتاج شده بود. دیگر از آن کارتری که با یک سفر، یک سخنرانی و یا حتی یک دیدارش، جهان در انتظار واژه‌ها و تصمیم‌هایش می‌نشست، خبری نبود. کارتر خوش قیافه، استوار و مقتدر، به پیکری فرسوده و چهره‌ای وحشتناک و منزوی بدل شده بود.

دوست عزیز!

قدرت، ثروت و شهرت، همگی پدیده های گذرا هستند. هیچ انسانی توان ایستادگی در برابر گذر زمان و فرسایش زندگی را ندارد. بزرگ‌ترین و نیرومندترین انسان‌ها نیز آمده‌اند، مدتی زیسته‌اند و سرانجام دورانشان به پایان رسیده است.

تو که امروز صاحب نام و نشانی هستی، یا در «غربت» به مال و سرمایه‌ای رسیده‌ای، یا از برکت سیاست‌های زمانه به مقام و منصبی دست یافته‌ای، یا چند صباحی بیشتر از دیگران درس خوانده‌ای، یا از زیبایی، هنر، فرهنگ و کمال بهره‌ای داری و «هنرمند» و مشهور گشته‌ای، این حقیقت را از یاد مبر که شهرت، مقام و ثروت، هیچ یک در واپسین روزهای زندگی به یاری انسان نمی‌آیند. تو نیز همچون آن فقیری که با درد زیست، همچون آن سربازی که جانش را فدای خاک کرد، و همچون آن دهقانی که بذر جانش را در زمین کاشت، چون کارگری که دست‌ها و پاهایش از فرط

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

کار ترکیده است، روزی پیر خواهی شد، و چه بسا محتاج تر از آنان به پیری برسی. پس قدر انسان ها را بدان و حرمت رنج و انسانیت را فراموش مکن. غرور زبینه انسان نیست. تو هیچ دلیلی نداری که خود بزرگبین باشی. ما همه انسانیم و همه به صورت یکسان از کرامت برخورداریم. نگذار با غرورت کرامت دیگران را زیر پا کنی. پس انسان باش عزیزم!



لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز